توضیح اختزال ستة ایام در بحارالانوار

در این چند لحظه‌ای که مانده خلاصه‌ای از عبارت بحارالانوار را عرض می‌کنم. مطلب خیلی خوبی است. مرحوم مجلسی راجع به اینکه «ستةایام» به چه صورت است، اصل خود تفسیر آن و روایات ذیلش، در جلد پنجاه و هفت، شروع بحثشان در صفحه شصت و شش است. در مرآة العقول هم همین اشکال را دارند. می‌فرمایند: «ثم اعلم: أن في هذا الخبر إشكالا من جهات أخرى»[1]؛ راجع به اختزال است. آن جا را هم نگاه کنید.

در بحارالانوار از صفحه شصت شروع می‌کنند و می‌فرمایند:

> **أقول: وبمثل هذا الخبر لا يمكن صرف الآية عن ظاهرها. ثم إنه سبحانه إنما خلق في هذه المدة مع أنه كان قادرا على خلقها في طرفة عين إما لعبرة من خلقها من الملائكة، إذ الاعتبار في التدريج أكثر كما ورد في الخبر، أو ليعلم بذلك أنها صادرة من قادر مختار عالم بالمصالح ووجوه الاحكام، إذ لو حصلت من مطبوع أو موجب لحصلت في حالة واحدة، أو ليعلم الناس التأني في الأمور وعدم الاستعجال فيها كما روي عن أمير المؤمنين عليه السلام (ولو شاء أن يخلقها في أقل من لمح البصر لخلق ولكنه جعل الاناء [1] والمداراة مثال لأمنائه وإيجابا للحجة على خلقه).**
>
> **وأورد هنا إشكال وهو أن اليوم إنما يحصل بحركة الشمس وطلوعها وغروبها فما معنى اليوم هنا؟ ويمكن أن يجاب بوجوه:**
>
> **الأول: أن مناط تمايز الأيام وتقدرها إنما هو حركة الفلك الأعلى دون السماوات السبع...[2]**

«... وأورد هنا إشكال وهو أن اليوم إنما يحصل بحركة الشمس وطلوعها وغروبها فما معنى اليوم هنا؟»؛ اگر سماوات و ارض نبود، این ایام چیست؟ بعد شروع به جواب دادن می‌کنند. **«ويمكن أن يجاب بوجوه: الاول.... الثاني .... الثالث».**

در صفحه دویست و شانزده به آن وجه اشاره می‌کنند. شما هم نگاه کنید. وجهی که بعض المحققین فرموده، وجوه مفسرین را جواب می‌دهد. خودش از وجه هایی که آنها گفته اند جواب می‌دهد. می‌گوید اینها نمی‌شود، تاویلات است، بعید است. بعد در صفحه دویست و هجده وجه وجیهی را می‌فرمایند. حرف ایشان به‌صورت خلاصه این است: ایشان می‌گویند درست است که وقتی ایام را همینطوری حساب کنید، باید سماوات و ارض باشد تا بتواند «ستة ایام» محقق شود. پس در خلق آسمان و زمین، «ستة ایام» معنا ندارد. اینجا است که ایشان آمده مطلب قشنگی را بیان می‌کند. می‌گوید

وقتی «ستة ایام» می‌گویی‌م راجع به خلق سماوات و ارض می‌گویی‌م، خود همین قرینه می‌شود که این ایام، ایام سماوات و ارض نیست. خب اگر نیست، پس چیست؟ می‌گوید ایام قبل از خلق سماوات و ارض است. وجه خیلی روشنی هم هست. پس آیه دارد از ایام صحبت می‌کند، شما بگویید یعنی اوقات، همه این‌ها خلاف ظاهرش است؛ یعنی آیه نمی‌گوید یک چیزی را همینطور فرض بگیری‌د. بلکه دارد از یک واحد به‌عنوان یوم صحبت می‌کند و می‌گوید «ستة ایام». ولی «ستة ایام»ی که به وسیله آن و بعدش خلق سماوات و ارض پدید می‌آید. پس این «ستة ایام» واحدهایی است که برای قبل خلق سماوات و ارض است. بعداً برای آن شاهد می‌آورند.

بعد ایشان می‌گویند یک زمانی هم داریم که این آسمان و زمین از هم می‌پاشد.«نطوی السماء کطیّ السجلّ للکتب » پس بعد از هم پاشیدن سماوات و ارض هم می توانیم ایام داشته باشیم پس ایامی داریم بعد خلق سماوات و ارض است و متفرع برسماوات و ارض است . یک ستة ایام داریم که مال خلق سماوات و ارض است و یک ستة ایام مربوط به بعد ازبین رفتن سماوات و ارض است.

شاگرد: چگونه سنة سیصد و شصت روز می‌شود؟

استاد:ایشان شروع می‌کند به شاهد آوردن.

شاگرد۲:شاهد برای چی می آورند؟ تقریبا سوال را قدری بالا و پایین کردند و جوابی ندادند؟ معلوم است وقتی یوم با آن نمی سازد طبیعتا یوم دیگری است. آیا وجهی گفته‌اند که چه یومی است ؟

استاد:عبارت ایشان این است : « **فالوجه أن يفسر اليوم هاهنا و العلم عند الله و أهله بما فسره الله تعالى تارة بقوله وَإِنَّ يَوْماً عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ وتارة بقوله في يَوْمٍ كانَ مِقْدارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ و أخرى بقوله في يَوْمٍ كانَ مِقْدارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ فإن القرآن يفسر بعضه بعضا و قد يعبر عن الأول باليوم الرباني**»[3] ای یوم ربوبی. چرا؟چون می‌فرماید انّ یوما عند ربّک پس الف سنة یوم ربوبی است. «و عن الثاني بيوم الله» که یوم الهی است. شاید آخوند ملاصدرا درمفاتیح الغیب یا تفسیرش هست ایشان می‌فرماید: یوم ربوبی و یوم الهی. چرا یوم الله است؟ چون درسوره مبارکه معارج می‌فرماید: «تعرج الملائکة و الروح الیه فی یوم کان مقدار خمسین الف سنة» فرمود : «الیه» پس یوم، یوم الله می‌شود. حال آیا سر می‌رسد یا نه ؟ فعلا من درمقام تصور حرفی که علما گفته اند هستم.

«فعلى كل تقدير يكون ملائما لما نسب من خلق كل منها إلى يوم من الأسبوع في الروايات»

درالمیزان اولی که درسوره مبارکه اعراف می‌رسند به «خلق السموات فی ستة ایام» می گویند ما بحث ستة ایام را درسوره مبارکه «حم سجده» خواهیم کرد سوره فصلت. البته بین راه درذیل ظاهر و کان عرشه علی الماء می‌گویند ولو بعدا بحث می‌کنیم ولی مختصری می‌گوییم و اتفاقا بحث خیلی مفصلی هم درسوره حم سجده ندارند که خیلی مفصل باشد معلوم است با اشاره ای که می‌کنند گویا قبلا بحثش را کرده اند به هرحال المیزان خردخرد نوشته می‌شده است.

ایشان ستة ایام را مراحل خلقت می‌گیرند با یک توضیحاتی و خیلی هم بحث شیرین و جذابی است اگر همه کتب تفسیری را ببینید.

درمجمع البیان هم اول تا اخر مدام می‌گویند «مقدار» و اولی که خودم خواندم ازمقدار،تعداد فهمیدم و حال اینکه فهمیدم اشتباه است و با جاهای دیگر مجمع درتنافی است و ظاهرا می‌گویند ستة ایام

یعنی هنوز که روز و شبی نبود ولی مقدار روز و شب که معلوم است اندازه شش روز ولو خودش نبود مراد است.

لذا بعض المحققین همه این وجوه را تضعیف میکنند چون آیه میگوید شش روز و باید روزها محقق باشد. این تضعیف بعض المحققین وجوه سایرین را.

الحمدلله رب العالمین

---

[1] مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول نویسنده : العلامة المجلسي جلد : ۱۶ صفحه : ۲۳۲

[2] بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث نویسنده : العلامة المجلسي جلد : ۵۴ صفحه : ۶

[3] بحارالانوار، ج۵۴ ، ص۲۱۸

بازبینی #1
ایجاد شده 12 آوریل 2026 07:17:42 توسط ... .
به روزرسانی شده 12 آوریل 2026 07:28:47 توسط ... .